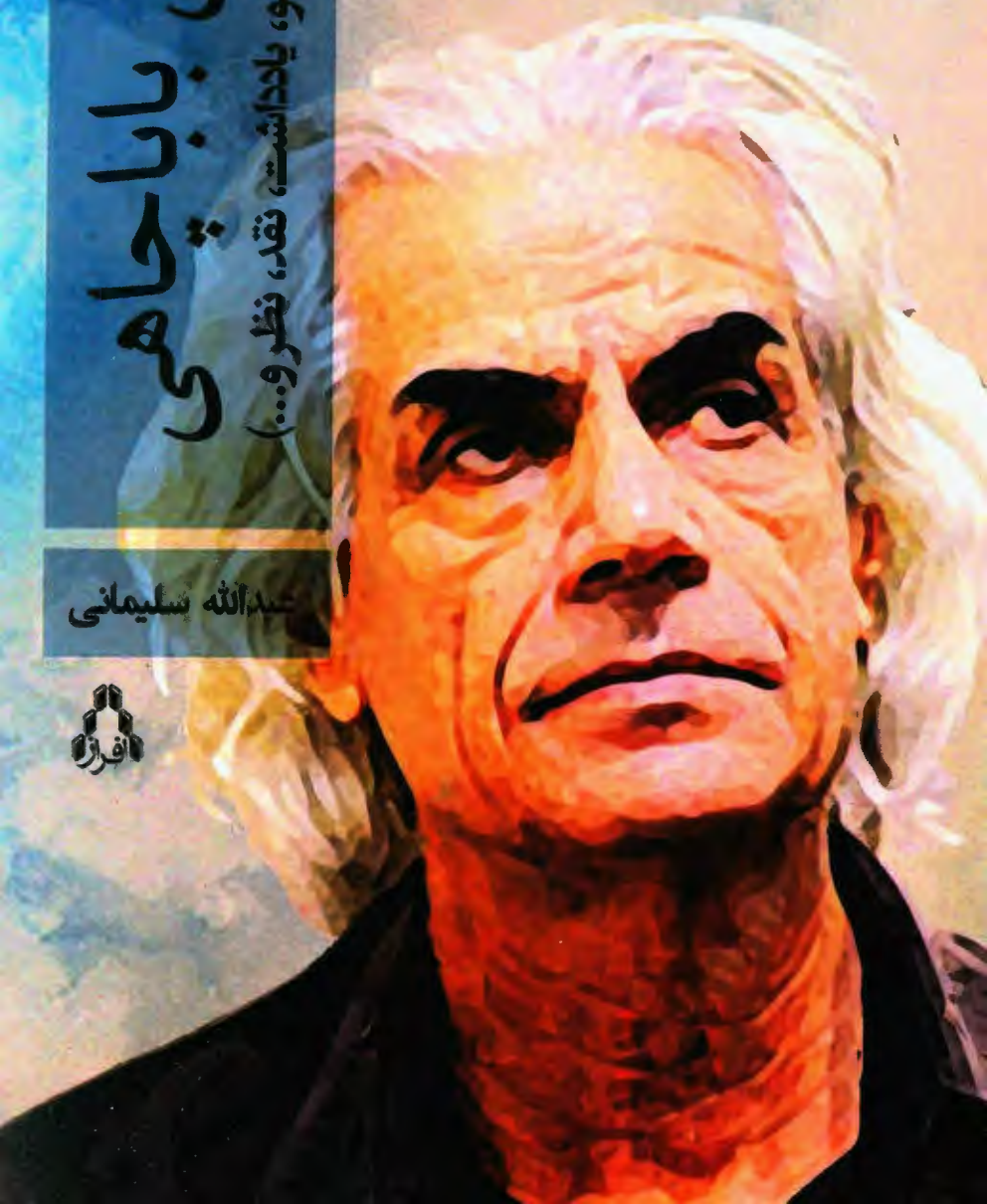


ادبیات معاصر ایران
دوره زمان ۷

علی بابا چاهمی

(گفت و گو، یادداشت، نقد، نظر و...)

عبدالله سلیمانی



علی بابا چاهی



۱۴۰۲

علی بابا چاهی

به کوشش
عبدالله سلیمانی



۱۴۰۲



انتشارات افراز

دفتر مرکزی و فروش:

لبافی نژاد، بین ۱۲ فروردین و منیری جاوید، پلاک ۱۷۱، ساختمان قائم، طبقه ی ۱، واحد ۳
تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

مرکز پخش: ۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۸۹۰۹۷

وب سایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

اپلیکیشن افراز: ebook.afrazbook.com

علی باباچاهی

به کوشش عبدالله سلیمانی

نوبت چاپ: اول/۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

طراح جلد: بهناز شادمانی

آرایش صفحات: امید مقدس

چاپ و صحافی: دوستان

قیمت: ۳۳۰ ۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی،

از جمله، چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۲.....	سبک فردی و ورود به شعر باباچاهی
۲۴.....	گفتگو با علی باباچاهی
۳۵.....	فصل اول: تازه‌های نقد و نظر با چند یادداشت از علی باباچاهی
۳۶.....	چرا می‌نویسم؟
۳۸.....	تنهایی‌های شاعرانه
۴۰.....	خیابان گردی مجازی
۴۳.....	زبان، تنها وسیله‌ی انتقال معانی نیست
۵۰.....	این ویروس دوران سازا
۵۵.....	بالا تر از فرا در تنهایی!
۵۷.....	هنر اعتراضی
۶۱.....	در حاشیه‌ی بحران شعر امروز ایران
۶۳.....	اندر احوالات شعر و شاعری
۶۸.....	شعر مدرن و نوعی پیچیدگی
۶۹.....	زبان و زبانیت در شعر
۷۴.....	واکنش علیه زیبایی‌شناسی شعر مدرن
۸۰.....	با معاصران فرهنگی شعر متفاوت
۹۳.....	شعر به مثابه‌ی نقاشی
۹۷.....	فصل دوم: باباچاهی از نگاه دیگران
۹۸.....	منوچهر آتشی

۱۰۰	سیمین بهبهانی
۱۰۵	محمد حقوقی
۱۰۶	عبدالعلی دستغیب
۱۲۳	محمدعلی سپانلو
۱۲۶	فرج سرکوهی
۱۲۹	سید علی صالحی
۱۳۲	فیض شریفی
۱۳۷	شاپور جورکش
۱۳۹	بهزاد زرین پور
۱۴۴	علیرضا بهنام
۱۴۸	سعید جهانپولاد
۱۶۲	بهزاد خواجات
۱۶۶	سریا داودی حموله
۱۷۳	عباس صفاری
۱۷۴	وحید علیزاده رزازی
۱۸۰	مهرداد فلاح
۱۸۳	علی قنبری، شاعر، منتقد و مستندساز
۱۸۹	محمد لوطیج
۲۰۳	حافظ موسوی
۲۰۴	کیوان نریمانی
۲۰۸	دکتر فرخ لطیف نژاد
۲۳۴	زیبا قلاوندی - جاوید تکاوران (مقاله علمی - پژوهشی)
۲۴۶	محمد معین احسانی اصطحباتی و محمدرضا صرفی
۲۷۲	سمیه محمدی نسب - دکتر جلیل شاکری
۲۸۵	نسرین مظفری، مرضیه نوروزی

فصل سوم: اشعار تازه علی باباچاهی ۲۸۹

اشعار تازه علی باباچاهی ۲۹۰

در مه پیدا نیستند! ۲۹۱

چندان که ۲۹۳

عجبا ۲۹۴

فصل چهارم: باباچاهی و قالب‌های شعر کلاسیک فارسی ۲۹۹

رباعیات تازه ۳۰۰

- دوبیتی‌های تازه ۳۰۲

کتاب‌شناسی علی باباچاهی ۳۰۷

- مجموعه شعر ۳۰۸

- نقد و بررسی ۳۰۹

- تحقیق و تألیف ۳۱۰

- شعر کودک ۳۱۰

- گفتگوها و مصاحبه‌ها ۳۱۰

- فیلم مستند ۳۱۱

- ترجمه آثار ۳۱۱

مقدمه

در این معنا از آنچه بر روی جلد کتاب آمده پیداست که درنگِ ما بر علی باباچاهی است.

شاعر، منتقد و پژوهشگر ادبی!

به ضرورت اما لازم است که ساختار کلی کتاب را به ایجاز برشمریم:

الف - مقدمه

ب - گفتگوی تازه با علی باباچاهی

پ - مقالات و یادداشت‌های تازه شاعر

ت - علی باباچاهی از نگاه دیگران

ث - اشعار چاپ نشده

ج - کتاب‌شناسی علی باباچاهی

اشاره به این نکته اما بسیار ضروری است:

باباچاهی که معمولاً با هر مجموعه شعرش، موخره‌ای نیز همراه می‌کند،

به عنوان «جنجالی‌ترین» شاعر معاصر مطرح است.

در این میان کم نیستند افرادی که به جنگ و جدل ادبی با این شاعر بر

نخواسته باشند؛

جالب این‌که حاصل این جنگ و جدل، انکار مصّرانه‌ی حضور

برجسته‌ی باباچاهی بر صحنه بوده است.

از دیگر سو گروهی او را شاعری آوانگارد و پیشرو معرفی کردند. اما با

گذشت زمان، شاعر ما که جزمیت‌های مدرنیسم و مدرنیته را مورد انتقاد قرار داد و مولفه‌های یکسان سازی‌های این دوران را (مدرنیسم و...) را برشمرد، به «وضعیتی دیگر» قدم گذاشت که منتقدان و خوانندگان حرفه‌ای آن را «پست مدرنیسم» نامیدند.

از این مقطع خوانش انتقادی باباچاهی از اشعار چهره‌های معتبر و ماندگار دهه‌ی چهل-پنجاه آغاز گردید؛ از همین منظر آمریت و اقتدار متن‌های (شعرهای) موجود، مورد تردید شاعر ما قرار گرفت و این همه در دهه هفتاد خورشیدی و به تبع رویدادهای این سرزمین و نیز جهان صورت پذیرفت که در این مورد گفتنی‌ها گفته و نوشته شده است.

جالب اینکه باباچاهی معتقد است

که پست مدرنیسم دارای تعریف واحدی نیست و به گفته او: هر سرزمینی پست مدرنیسم خودش را دارد!

اما ناگزیر به توضیح موارد زیر نیز هستم (هر چند با نیم نگاهی به موخرهای یکی از مجموعه شعرهای این شاعر: شعر «در وضعیت دیگر» آرمانگرایی مقرر و در نتیجه سعادت و رستگاری‌های وعده داده شده را در شعر مدرن به دیده‌ی تردید می‌نگرد، از این رو طنز جای جد را می‌گیرد.

هر قدر شعر «مسلط» عبوس و بالا نشین است، شعر در وضعیت دیگر شوخ و شنگ و شیطان است...

شعر «در وضعیت دیگر» که اعلام کننده عصر بدگمانی است، سبک شمرده نمی‌شود، مانیفست هم نیست، ورود به فضایی است پر از پراکندگی و تعلیق و سرگیجه و سیلان و تشکیک در مطلقیات‌ها و مسلمانات!

شعری که باباچاهی می‌سراید، شاید‌ها به‌جای باید‌ها، احتمالات به جای ایقان و قطعیت، چند مرکزیتی به جای تک مرکزیتی، آنتی فرم به جای فرم و

افشانش (گسسته نمایی صوری) به جای وحدت اندام وار شعر و پایان‌های باز به جای پایان‌های بسته و طفره رفتن به جای پاسخ‌های قطعی قرار می‌گیرد نکته قابل توجه در شعر باباچاهی روابط بینامتنی شعرهای اوست که اشراف اورا بر ادبیات کلاسیک فارسی را نشان می‌دهد: ازسطحیات شیخ ابوالقاسم خرقانی و روزبهان بقلی و تذکره الاولیا عطار گرفته تا موش و گربه عبید زاکانی!

دیگر اینکه شعر باباچاهی نه سپید در معنای شاملویی است و نه به موزنیت متداول تمایلی نشان می‌دهد، بلکه او باتسلطی که بر عروض فارسی دارد با اعتماد به نفس به امتزاج چند وزن می‌پردازد و آن‌ها را و با استفاده از موسیقی زبان، به وزنی ترکیبی و چند وجهی روی می‌کند که خواننده‌ی حرفه‌ای حس موسیقایی شعر را به خوبی در می‌یابد. خواننده‌ای که می‌داند به طور کلی برای ورود به شعر باباچاهی باید از ذوق معهود (عادت‌شده پیشین) بگذرد و چشم بپوشد، زیرا ضرورت دارد این بار با ذوق و سلیقه‌ای متفاوت به این شعر ورود پیدا کند، تا بماند والتذاذ ببرد.

و...

و با سپاس از «نشر افراز» که اگر پیشنهاد تنظیم و تدوین این کتاب را به ما نمی‌داد جای خالی آن به شدت احساس می‌شد! این کتاب نیز ذیل عنوان «ادبیات معاصر در گذر زمان» قرار می‌گیرد.

عبدالله سلیمانی

عبدالله سلیمانی:

سبک فردی و ورود به شعر باباچاهی

آقای باباچاهی در چند جا بیان کرده است که چیزی به نام «سبک»، «سبک فردی» و «فردیت» باور ندارد و جدی نمی‌شمارد. وقتی که آقای باباچاهی از متفاوت و متفاوت نویسی حرف می‌زند گویی بحث سبک فردی و تفاوت سبکی را بیان می‌کند. برداشت ایشان از مفهوم «متفاوت» به مفهوم سبک فردی شبیه است. او می‌گوید: معتقدم هر شاعری باید چیزی از خودش به شعر معاصر بیفزاید. بنابراین راهی وجود ندارد که از جریان‌های حتی خلاق شعر معاصر فاصله بگیریم. فاصله‌گیری به قصد پرهیز از تکرار و ابتذال! در نتیجه کار فرد (شاعر) با تفاوت و متفاوت نویسی می‌افتد.

در این جا باباچاهی باور دارد که شاعر بودن یعنی متفاوت بودن. حال متفاوت بودن چگونه به وجود می‌آید. یا چگونه بدست می‌آید؟ متفاوت بودن مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی نویسنده است که او را متفاوت می‌کند. و در عین حال به کارگیری مجموعه‌ای از شگردها و تمهیدات است که اسباب اجرای شعرا می‌شود. به نظر می‌رسد هر چه هست نمی‌توان با آگاهی و عمد کاملاً آن را به دست آورد باباچاهی یادآوری می‌کند که «از سویی متفاوت نویسی‌های تعمدی نه مد نظر من است و نه مورد تایید! متفاوت نویسی، به خاطر متفاوت نویسی خنده‌دار است. مگه نه؟ من مثل هر فرد دیگر براساس مولفه‌های فکری خودم می‌نویسم. البته نه با طرح قبلی! بنابراین باید بگویم که مولفی در فرآیند هستم! فاعل در فرآیند! یعنی نوشتن‌های من در وقت‌های

تحریر پدید می‌آیند. « شاعر توضیح می‌دهد که مجموعه آنچه را که متفاوت نویسی نام دارد یک پروسه یا فرایند است چون تعمدی نیست بلکه رفتاری مستمر است که در فرایند نوشتن اتفاق می‌افتد. یا نوشتنی در بداهه‌گی که شروع آغازینش شاعر است اما ادامه و استمرار همان حرکت آغازین دیگر شاعر نیست بلکه خود شعراست. درضمن به صورت خطی هم نیست بلکه متکثر است یک نوع بازی که در بداهه انجام می‌شود. بازی‌ای که شروع مشخص و پایان مشخصی ندارد. گزاره‌ها نه در ادامه هم بلکه در عرض هم قرار دارند. چون همه چیز در بداهه‌گی اتفاق می‌افتد و سیالیت. این بازی به ظاهر، ترتیب و آدابی ندارد. مانیفست ندارد. اصول ندارد، که بتوان آن را به دیگران نشان داد که آنها هم این بازی را اجرا کنند. بلکه هر کس که در متن این بازی قرار بگیرد خود جزئی از بازی می‌شود. پس این بازی خاص و متفاوت است. یکه است. نه برگشت پذیر است نه تکرار پذیر. تازه است و تکرار ناپذیر. فرد دیگری نمی‌تواند این بازی را انجام دهد زیرا شرایطی که بازی در آن انجام شده است یکه و تکرار ناپذیر است. بنابراین بازی من باید به گونه‌ای باشد که کاملاً متفاوت از دیگران باشد. درعین حال که بازی خودم را میکنم، خودم را نیز بازی می‌کنم. به زبان ساده تر قرار نیست من مثل فروغ شعر بگویم. چون شعر فروغ وجود دارد. حی و حاضر است. شعر فروغ یعنی؛ امضای فروغ. امضا نباید تکراری باشد. هرکس اثر انگشت خود را دارد. یا اینکه من نمی‌توانم و نباید مثل باباچاهی شعر بگویم/بازی کنم زیرا تکرار آن چه که خود محصول تجربه و استمرار و تکرار است، ارزش هنری ندارد. حضور و بازی من اگر متفاوت باشد دیده می‌شود. زیرا هستی و ماهیت من در تفاوت و متفاوت بودن است. بود من به متفاوت بودن است. امضای من در صورتی در میان امضاهاى دیگر دیده می‌شود که متفاوت باشد. شاعر بودن یعنی صاحب امضا بودن، اثر انگشت خود را داشتن. شاعران بزرگ ما هر کدام امضای/بازی/ خود را دارند. هستند کسانی که سعی کرده‌اند

ازامضاها/بازی‌ها تقلید کنند، اما فقط در حد همان تقلید باقی مانده‌اند. پس سبک هم یعنی تفاوت و با تفاوت هم زاده می‌شود.

آن‌جا که باباچاهی می‌گوید فاصله‌گیری به قصد پرهیز از تکرار و ابتذال! در نتیجه کار فرد (شاعر) با «تفاوت» و «متفاوت نویسی» می‌افتد. از سویی متفاوت نویسی‌های تعمدی نه مد نظر من است و نه مورد تایید!

چیزی که نویسنده از آن به عنوان «مولفه‌های فردی» یاد می‌کند، همان «فردیت» است در سبک ادبی فردی، شاعر متفاوت، یعنی شاعری که امضای خودش را دارد و صدایی دارد که او را از صداهای دیگر متمایز می‌کند. هیچ شاعر واقعی وجود ندارد که سبک نداشته باشد. وقتی باباچاهی می‌گوید: «من بر اساس مولفه‌های فکری خودم می‌نویسم». معنی این عبارت این است که من شیوه بیان فردی خودم را دارم، شیوه‌ای که سال‌ها با تمرین و تجربه در عرصه خلاقیت، کسب کرده‌ام. اگر «سبک» را شیوه بیان فردی به معنی عام بدانیم، در مفهوم ادبی و شعر هم، به معنی شیوه‌ای است که تلفیقی از فردیت و ادیت است. ادیت و هر آن چه که ادیت را می‌سازد در اختیار تمام شاعران است، حال هر شاعری به تناسب افق فکری خود در این عرصه عمومی (مجموعه شگردها، تمهیدات، ارایه‌ها و امکانات شعری زبان فارسی) دست به گزینش می‌زند. گزینش هم متأثر از شخصیت شاعر است.

حال خود گزینش‌ها از چند منظر قابل توجه است: بازتاب تعلقات ذوقی‌اند. میزان شناخت و افق فکری شاعر، در هرگزینشی متفاوت از گزینش شاعران دیگر است. با تکرار تبدیل به مولفه‌ی سبک شناسانه، از نوع گزینش‌ها می‌توان دوری یا نزدیکی به سنت و نوآوری را نشان داد. در گزینش‌های باباچاهی، شاعر به دلیل موقع‌شناسی، شناخت درست فضاهای جدید، آشنایی با دانش‌های ادبی معاصر، نظرات فیلسوفان، نظریه‌پردازان ادبی و... توانست گزینش‌های خود را با چاشنی این نظرگاه‌های و فضاهای تازه که از ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفتند، عجین کند. عنصر طنز و نگاه خاص شاعر به

نوع ویژه‌ای از طنز، به این گزینش‌ها، تفاوت را برجسته‌تر از دیگران کرده‌است.

بخش دیگری از «مولفه‌های فردی» مورد نظر باباچاهی، در سبک‌شناسی، همان ویژگی‌ها و مختصات (زبانی، فکری، ادبی، بلاغی و فرمیک و...) است که در هر شاعری با شاعر دیگر متفاوت است. مولفه‌های فردی چیزی جز مختصات سبکی و گزینش خاص هر شاعر از درون امکانات شعری نیست. نکته دیگر اینکه باباچاهی در ابتدا تأکید می‌کند که «این متفاوت نویسی حاصل عمد و آگاهی نیست و متفاوت نویسی تعمودی مورد نظر من و تأیید من نیست». منظور شاعر همان مفهوم سبک فردی است که وی از نام بردن آن پرهیز دارد چون می‌گوید من شاعری سبک‌گریز هستم اما در عملی بحثی که در مورد متفاوت نویسی می‌کند همان سبک فردی است. سبک (به مفهوم ادبی) هم تعمودی نیست بلکه نتیجه یک‌فرایند است که در گذر زمان ملکه ذهنی و زبانی شاعر می‌شود از همین روی بسامد دارند. با مطالعه اشعار ایشان کاملاً متوجه این پروسه شکل‌گیری سبک فردی می‌شویم.

باباچاهی، مانند هر شاعر صاحب سبک دیگری، دارای سبک فردی و بیان ویژه‌ای است. شیوه‌ی بیان فردی (= سبک) باباچاهی، دارای مختصات و مولفه‌هایی است که در اشعار وی بسامد دارند. مولفه‌هایی که سبک فردی باباچاهی را شامل می‌شود، همان ویژگی‌هایی است که در اشعار ایشان اسباب تمایز و تفاوت می‌شوند و در نهایت امضای او را تشکیل می‌دهد. برای رسیدن به این بیان ویژه یا امضای مشخص، مراحل باید طی شود. از جمله: الف - مرحله تقلید و تاثیر پذیری ب - مرحله میانی وبرزخی ج - مرحله رسیدن به سبک فردی و استقلال

در مورد شعر باباچاهی هم خواننده به خوبی همین مراحل را می‌بیند و متوجه می‌شود. در مورد شعر باباچاهی در مجموعه‌های آغازین ایشان

شاهد زبان فاخر و ادبی هستیم. به تدریج از فخامت زبان کاسته می‌شود و به سمت زبان طبیعی گرایش پیدا می‌کند در این مسیر، نشانه‌هایی از تاثیرپذیری شاعر از شاعران دیگر دیده می‌شود. برای نمونه در مجموعه «در بی‌تکیه‌گاهی، ۱۳۴۶»، در شعرهایی چون «خورشیدها و خارها»، «چه باید گفت» و... جدا از زبان فاخر و ادیبانه، ردپایی از لحن شعر نیما، اخوان و شاملو دیده می‌شود، در مجموعه «جهان و روشنایی‌های نمناک ۱۳۴۹» مشخصا در شعر «صدای تاریخی»، رد پای لحن فروغ قابل تشخیص است. در مجموعه بعدی «از نسل آفتاب»، مثلاً شعر «بوی ترمز و آسفالت» خواننده به وضوح متوجه لحن شعر سهراب می‌شود. همین طور در مجموعه شعر «از نسل آفتاب، ۱۳۵۲» شاعر مغلوب لحن شعر فروغ می‌شود یا در شعر «سرود بومی» رد پای زبان و لحن شعری شاملو قابل تمییز است. در شعر «صبحگاهی، ۱۳۵۶» خواننده متوجه تاثیر زبان و لحن شاملو در ذهن شاعر، هنگام سرودن شعر می‌شود و همین طور اگر گزینه اشعار شاعر را ورق بزنیم با توجه به زمان سال چاپ آنها خواننده حرفه‌ای متوجه این تاثیرپذیری‌ها شکل‌گیری آرام آرام صدای خاص شاعر می‌شود. در کل در تمام شعرهای علی باباچاهی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۹ نشان می‌دهد که هنوز سبک شعری شاعر به استقلال و تشخیص نرسیده است. اما به تدریج تاثیرها در زبان (گزینش‌های شاعر در ترکیبات و مفردات و...) و لحن کمتر می‌شود. در همین مسیر، تفاوت‌ها و رفتارهایی که منجر به مشخصات سبکی می‌شوند تکرار (بسامد) بیشتری دارند تا جایی که موجب تمایز سبک و بیان ویژه شاعر می‌شود و نشان از استقلال شاعر دارند. این تاثیرپذیری‌ها تا مجموعه شعر «آوای دریا مردان، ۱۳۶۸» کم و کم تر می‌شود. اما در مجموعه شعر «منزل‌های دریا بی‌نشان است» تفاوت این مجموعه با مجموعه‌های پیشین، برجسته و معنی دار است. این مجموعه را از جهت دانش سبک شناسی می‌توان مجموعهبرزخی شاعر تلقی کرد زیرا هم عناصری از ویژگی‌های

سبک شخصی شاعر از جمله بینامتنیت‌ها، فاصله گذاری، محوشدن لحن روایی، تعلیق‌ها، گسست‌ها و... که در مجموعه‌های بعدی استمرار دارند، دیده می‌شود و هم نشانه‌هایی از مجموعه‌های پیشین. اشعار این

مجموعه، تفاوت در زبان و لحن شعرها نوید شکل‌گیری صدایی متفاوت را به خواننده می‌دهد خواننده‌ای که شعر وی را از آغاز پیگیری کرده است به خوبی متوجه تعلقات ذوقی و دل‌بستگی‌های زیبایی شناسانه شاعر هم می‌شود: در بیمارستان‌ها اصلاً خبری نیست/ مخصوصاً/ هفت و سه چهار دقیقه /اول شب...

تفاوت در شعرهای این مجموعه با مجموعه‌های پیشین، تفاوت در «سبک» و «شیوه بیان» است. در این مجموعه در زبان و بیان شاعر، حضور زبان و لحن شاعران شاخص، محو شده است اگر هم باشد در سایه «سبک فردی» شاعر، نمی‌تواند خود نمایی کند. سرانجام در مجموعه شعر «نم نم بارانم، ۱۳۷۵» اتفاقی که باید بیفتد (=اتفاق نیفتاده) می‌افتد:

حتماً هنوز در راه است
آن اتفاق ساده که یک روز
پشت اناری قرمز / می‌افتد
وناگزیر تا حالا
شکل...

در این شعر و شعرهای این مجموعه، صدای تازه شاعر قابل تمییز و تشخیص است، یعنی: «فردیت» و «ادبیت» دو ویژگی «سبک ادبی» شاعر، پر رنگ تر می‌شود و خوانند متوجه صدا و امضای ویژه شاعر می‌شود به گونه‌ای که در میان صداها، دیگر قابل تمییز و تشخیص است. از این مجموعه‌ها،

خواننده شعر او می تواند صدایی متشخص را که شناسنامه‌ی سبکی ویژه‌ای دارد، در میان صداهای معاصر، تشخیص دهد. در اینجا گزینش‌های ادبی شاعر متفاوت از گذشته است. نکته مهمی که در مورد شخصیت شعر باباچاهی باید اشاره کرد این است که در فرآیند شکل گیری سبک فردی باباچاهی، مجموعه اتفاقاتی در جهان پیرامونی شاعر ایجاد شد که شتاب بیشتری به آن داد. به همین دلیل تفاوت این دو مجموعه با مجموعه‌های پیشین بسیار زیاد است. و بسیاری از معاصران و دوستان شاعر تصور کردند ایشان به کلی مسیر دیگری را انتخاب کرده است که به کلی با گذشته متفاوت است؛ اما حقیقت ماجرا این گونه نیست. نکته‌ای که باباچاهی را از هم‌عصران خود متفاوت می‌کند، ذکاوت و هوش ادبی شاعر است. مرحله سوم شکل گیری سبک فردی باباچاهی با شرایط تاریخی ویژه‌ای همراه و هم زمان می‌شود که مجموعه این اتفاقات در کنار ذکاوت و موقع شناسی ادبی شاعر، موجب شد تفاوت شعری ایشان عمق بیشتری پیدا کند. وی خیلی زود متوجه اشباع شدگی جریان مسلط شعر فارسی می‌شود. جریان شعری‌ای (شعر سپید شاملویی) که خود باباچاهی در مجموعه‌های آغازینش در سایه آن شعر می‌سروده است نتوانسته بود خودرو از زیر سایه آن را رها کند اما فراموش نکنیم که پیش از دو مجموعه‌ی «نم نم باران... و عقل عذابم...» قبل از استقرار جریان شعر هفتاد، باباچاهی مجموعه «منزل‌های دریا بی‌نشان است» را سروده است که تفاوت این مجموعه با جریان مسلط شعر (شعر مدرن فارسی)، معنادار و سبک شناسانه است ما شاهد پوست اندازی شعر وی هستیم و به وضوح تفاوت زبان را می‌بینیم. سبک فردی شاعر در مرحله بلوغ. نوزایی است و در مجموعه‌ی نم نم بارانم و... تکمیل می‌شود. فردیت در زبان و لحن و سطوح دیگر را شامل می‌شود. از این زمان تا به امروز، این سبک شخصی استقرار و استمرار یافته است. اگر تفاوتی در مجموعه‌های بعد دیده می‌شود، در محدوده همان‌ی سبک فردی است که شاعر به قصد

تجربه‌های تازه در مسیر خلاقیت، گاه یک ویژگی را برجسته تر می‌کند و گاه، به تمهید خاصی اشتیاق نشان می‌دهد و بسامد بیشتری دارد و همزمان به بعضی تمهیدات بی‌توجه است و پرهیز می‌کند. اما صدا همچنان همان صدای واحد است، که دچار جذر و مد می‌شود. اری تفاوت از «نم‌نم بارانم» (۱۳۷۵) و «عقل عذابم می‌دهد» (۱۳۷۹) تا پیکاسو در آب‌های خلیج فارس (۱۳۸۸) تا «ادم‌ها در غروب اسم ندارند» (۱۳۹۵)، تفاوت به معنای «سبکی» مطلقاً نیست، بلکه تنوع و هنرنمایی‌هایی شاعر در درون همان «سبک فردی» است. هرچند نمی‌توان کتمان کرد شاعر ما تمایل زیادی دارد تا تن به قاعده‌ای واحد ندهد و خود را سبک گریز بداند اما اگر گریزی هم باشد در درون همان سبک فردی است که انعکاسی از شخصیت شاعر است. تفاوت دیگر در این است که فرایند شکل‌گیری سبک فردی باباچاهی در دو فضای مدرنیسم و پست مدرنیسم، اتفاق می‌افتد. با این توضیح، مجموعه شعرهای

«در بی تکیه‌گاهی»، (۱۳۴۶) و... تا «آوای دریامردان»، (۱۳۶۸) در محدوده‌ی شعر مدرن فارسی می‌گنجد، مجموعه «منزل‌های دریا بی‌نشان است» که مرحله‌ی برزخی سبک شعری باباچاهی است در فضای دوگانه مدرنیسم و پست مدرنیسم (=شعرپسانیمایی) تنفس می‌کشد و بالاخره از مجموعه «نم‌نم بارانم»، ۱۳۷۹ که مرحله‌ی استقلال (رسیدن به سبک فردی و صدایی یکه) شاعر است جزو شعر پست مدرنیسم و پسانیمایی به حساب می‌آید. تجربه‌هایی که شاعر در مجموعه‌های بعدی تا به امروز داشته است همگی در محدوده سبک فردی باباچاهی جا می‌گیرد زیرا باباچاهی از ویژگی‌های و مختصات اصلی سبک فردی خود عدول نمی‌کند و تفاوت مجموعه‌های بعدی نسبت به نم‌نم بارانم و دیگر مجموعه‌ها، تفاوت معناداری نیست که بتوان آنرا تفاوت به مفهوم سبکی و تغییر سبک تلقی کرد! تجربه‌های بعدی همگی در وسعت سبک فردی انجام می‌گیرد. گاه

تمهید و شگردی در یک مجموعه، بسامد بیشتری دارد و مثلاً در مجموعه‌ی بعدی همین رفتار را با تمهید دیگری در شعر انجام می‌دهد. این تعلقات و تاکیدات هیچگاه در حد شکستن نرم و هنجار مستقر شاعر نیست، شاعر خود از نرم مسلط (شعر مدرن شاملویی) خارج شده تا نرم دیگری را (شعر در وضعیت دیگر) بوجود بیاورد. باباچاهی در ارتباط با سبک فردی و امضای ویژه و مشخصه‌های شعری خود می‌گوید: «اما به محض این که دیده یا شنیده‌ام که این کارها [مشخصه‌ها و مختص‌های خاص شعری] دارد اتوماتیزه می‌شود آتش بس داده‌ام و با حفظ خصوصیت‌های محوری کارم به فکر فکرهای دیگری افتاده‌ام. به معتاد کردن خواننده - اگر خواننده‌ای برایم باقی مانده باشد - علاقه‌ای ندارم... (دری به اتاق مناقشه صفحه ۱۵۹). در عرصه خلاقیت و عمل و هم این سیالیت مولفه‌های سبک فردی دیده می‌شود، اما خود این سیالیت بخشی از سبک فردی او است نه جدا از آن. چنان که تفاوت پیکاسو در آبهای خلیج فارس با مجموعه‌های پیش از آن، در رویکرد تازه به زبان محسوس است اما به گونه‌ای نیست که هنجار و سبک فردی خود شاعر را هم بشکند، بلکه در داخل نرم و هنجار ابداعی خود او صورت گرفته است. وی تلاش کرده هم در نظر و هم در عمل به ساحت‌های متفاوت و جدیدی در شعرهای پیش رو ورود کند و تلاش کرده تشکیک، تردید، سیالیت، تضاد، تغییر مدام و دیگر شناسه‌های وضعیت پسامدرن را در عرصه عمل و اجرا در سبک فردی و بیان ویژه‌اش بکاربرد نه چیزی فراتر از آن! شاعر نمی‌تواند در عرصه ویژگی‌های سبک فردی تن به تثبیت شدگی این مولفه‌ها ندهد! سبک فردی یا امضا و شناسنامه هر شاعری، فرآیندی زمان‌بر است و آنی و عمدی نیست بلکه در طول سال‌ها کار عملی در شعر (مولفه‌ها و مختصه‌های سبکی) در بیان و زبان شعر شکل می‌گیرد و با روان شاعر در هم می‌تنند، باباچاهی هم همانند هر شاعر دیگری با هر فرم به شکل شعری دارای سبک فردی مشخص و بیان ویژه و شناسنامه‌ای ادبی است داری است.

سبک فردی باباهی هم چنان تصویری است که در آغاز بسیار کم رنگ و نامفهوم که به تدریج و در گذر زمان، آن تصویر محو و کدر، آرام آرام، پر رنگ می شود و سرانجام شکل می گیرد و تبدیل به صدا و سبک باباچاهی شده است. سبک فردی، شخصیت ادبی شاعر است که در گذر زمان پخته شده است. باباچاهی از شاعرانی ست که پس از شعر مدرن نیمایی و شاملویی در دهه هفتاد، شیوه و شکل دیگری از خوانش شعر را هم در شعر معاصر بوجود آورد. هر شاعر و جریان جدی در ادبیات پس از استقرار باید بتواند خوانندگان خود را هم به وجود بیاورد حتی با تربیت و تکثیر خوانندگان جدید، خوانشگران و منتقدان خود را هم پرورش دهد. شعر "در وضعیت دیگر" علی باباچاهی امروز، این موفقیت هنری/ ادبی را کسب کرده است. به عبارتی دیگر می توان این گونه گفت: امروز شعر "در وضعیت دیگر" توانسته است، "خواننده‌ی در وضعیت دیگر" و "منتقد در وضعیت دیگر" را هم به وجود بیاورد که یک موفقیت عمده برای شاعری صاحب سبک است. به طور کلی هر جریان و مدعی جریان و شکل تازه‌ای در شعر اگر نتواند منتقدان خود را و نیز خوانندگان خود را به وجود بیاورد بدون تردید جریان جدی و تاثیر گذاری نخواهد ماند. ورود به شعر «در وضعیت دیگر» متفاوت از جریان‌های دیگر است خواننده باید از همین آغاز متوجه تازگی و تفاوت در نوشتن شعر باشد. در شعر باباچاهی سبک نوشتن و شکل اجرا و پیشبرد شعر (گزاره، بند، علایم و نشانه‌ها، فاصله گذاری‌ها و...) تنها متوجه شاعر نیست که آن را اجرا کرده است، بلکه متوجه خوانش شعر هم می شود. برای خواننده شعر ایشان، توجه به این نکته بسیار مهم است. در شعر علی باباچاهی یک هنر سازه تعریف می شود که شاعر تلاش دارد تجربه‌های خود را (البته بخشی از تجربه‌های خود را) از این طریق اجرا کند. پس شیوه نوشتن شعر هم جزئی از تجربه شاعر هم بخشی از دریافت (زیبایی شناسانه) خواننده در برخورد با

شعر است.

مواردی دیگر از جمله: شکل نوشتن شعر، افعال غایب، ایجاد فضای سفید، ایجاد فاصله‌های مضاعف در بین گزاره‌ها و بندها، انزوای بعضی واژه‌ها خصوصاً فعل‌ها، گذاشتن خط فاصله در جایی از گزاره که خواننده تا پیش از این عادت کرده بود آن را به صورت سه تا نقطه ببیند و نیز ایجاد فاصله در وسط گزاره‌ها که می‌شود آن را فاصله افقی نام نهاد و ایجاد فاصله در میان دو بند که می‌شود آن را فاصله عمودی نامید یا خط ممیز و... درکل، مواردی این چنین، بخشی از شکل‌گیری التذاذ هنری است که خواننده آن‌ها را در حین خواندن تجربه می‌کند. بدیهی است که خواننده در برخورد با شعر در وضعیت دیگر ضرورت دارد با ذهنیتی با این ویژگی‌ها شعر را بخواند او نباید توقع داشته باشد که اینجا هم یک روایت مشخص در شعر شکل گرفته است و به یک خط روایی و گزاره‌ها را به گونه‌ای نظام مند مرتبط می‌کند! در شعر در وضعیت دیگر با شبکه‌ای از معناها و گزاره‌ها روبرو هستیم که شاعر به عمد گسست‌هایی را ایجاد کرده است اما در نهایت و ظرافت، درکلیت شعر ارتباط وجود دارد. آن جاها که تعلیق و تاخیر معنا به گونه‌های هنری در سازه‌های شعر تنیده است لذت بیشتری نصیب خواننده می‌شود هرچند در مواردی ممکن است شاعر، افراط کرده باشد. شعر باباچاهی تلفیقی از اتفاقات آنی، ناخودآگاه با دستکاری‌های عامدانه شاعر است که در فرایند شکل‌گیری شعر احضار می‌شوند. حضور مثل‌ها، باورها، پاره‌متن‌ها، گزاره‌های شاعرانه دیگر معمولاً ناخودآگاه می‌باشد اما آنچه که اسباب حضور این گزاره‌ها و تضمین‌ها و تلمیحات شاعرانه می‌شود خود دال‌ها و حضور موسیقایی آنها است که گزاره‌ها و پاره‌متن‌ها را به گونه‌ای ناخودآگاه در ذهن شاعر تداعی می‌شوند و شاعر با ذکاوت شاعرانه به آنها اجازه حضور می‌دهد. آن‌جا که عاطفه و غلیان‌های درونی با فرآیند شکل‌گیری شعر همراه می‌شوند، عنصر شعریت برجسته‌تر است. در

شعرهایی خواننده این تصور را دارد که گویا شعر بر متن پاشیده شده است اما حتی اگر پاشیده هم شده باشند از آنجا که این پاشیدن، از صافی ذهن و ذوقی تربیت شده بیرون آمده است عنصر خودآگاه شاعر، مهار شعر را در دست دارد زیرا ما شاهد یک ارتباط شبکه‌ای در شعرهای باباچاهی هستیم. وجود ارتباط شبکه‌ای در بین گزاره‌ها و بندها یک ویژگی سبک شناسانه در شعر علی باباچاهی است که خواننده باید در هنگام ورود به شعر ایشان در نظر بگیرد. قصد شاعر از به کارگیری مواردی که نام برده شد در کنار ایجاد تردید، تشکیک و به چالش کشیدن (زیبایی شناسی شعر مدرن) به قصد احضار و تکثیر معنا یا معنای محتمل است. البته این تکثیر، احضار و تعلیق معنا در راستای التذاذ هنری است و باید باشد. آری علی باباچاهی، مانند هر شاعر شاخص دیگر، درای سبک و صدای ویژه‌ای است که در میان صداها و سبک‌های دیگر قابل شناسایی است. خواننده امروز با شناخت این سبک و بیان ویژه می‌تواند به شعر ایشان ورود کند.

تنها تفاوت با ورود به شعر مدرن در این است که این بار خواننده نمی‌تواند با همان معیارهای ذوقی گذشته خود به شعر باباچاهی ورود کند. زیرا با آن عادت‌ها و معیارهای زاغی نمی‌شود این متن‌ها را خوانش کرد اما اگر خواننده ذهن خود را تجهیز کند و با کلیدهای محسوس ورود به شعر باباچاهی آشنا باشد می‌تواند وارد شود و لذت ببرد خواننده در حین خواندن متوجه تفاوت‌ها خواهد شد. در این شعرها خود خواننده هم متحول خواهد شد از خواننده شعر مدرن به خواننده شعر پست مدرن تغییر می‌کند. این تحول در ذوق و سلیقه فردی او هم به وجود می‌آید.